



## حکمت متعالیه مسیر تقرب به مبدأ هستی را به خوبی ترسیم می‌کند

آیت‌الله جوادی آملی در پیامی به همایش روز جهانی فلسفه بیان داشته است: حکمت متعالیه بعد از تصریح به اینکه ذات واجب الوجود، هویت محض و حقیقت صرف و نامحدود است...

آیت‌الله جوادی آملی در پیامی به همایش روز جهانی فلسفه بیان داشته است: حکمت متعالیه بعد از تصریح به اینکه ذات واجب الوجود، هویت محض و حقیقت صرف و نامحدود است، در تفسیر عناوین و حیانی مانند لقای خدا و تقرب به او ارزیابی‌های متدبرانه کرد و مناسب‌ترین راه را به دست آورد.

آیت‌الله جوادی آملی در پیامی به همایش روز جهانی فلسفه بیان داشته است: حکمت متعالیه بعد از تصریح به اینکه ذات واجب الوجود، هویت محض و حقیقت صرف و نامحدود است، در تفسیر عناوین و حیانی مانند لقای خدا و تقرب به او ارزیابی‌های متدبرانه کرد و مناسب‌ترین راه را به دست آورد.

در بخشی از این پیام آمده است: « معرفت‌شناسی، روشهای متعددی دارد مانند تجربی، تجریدی و شهودی؛ یعنی ممکن است از راه احساس و تجربه حسّی مطلبی ثابت شود و نیز از راه ادراک کلی و تجرید عقلی مطلوبی اثبات گردد و نیز از راه علم حضوری و شهود قلبی، حقیقتی روشن شود. به هر تقدیر مطلبی در جهان‌بینی قابل طرح و بررسی است که به صورت برهان عقلی تبیین گردد، زیرا محسوس مادی مادامی که پشتوانه عقلی نیابد مفید یقین معرفت‌شناسی منطقی نیست، هر چند ممکن است موجب قطع معرفت‌شناسی روانی باشد. چنان‌که معرفت شهودی فقط برای خود شاهد، حجت است و اگر بخواهد به صورت فنّ معتبر درآید حتماً باید از مبادی برهان استمداد کند و از علم حضوری به دانش حصولی تنزل یابد تا قابل تعامل فکری باشد و رسالت این مطلوب به عهده عرفان نظری است. که با حوزه تفکر عقلی قرابت تام دارد بنابراین فلسفه الهی مهم‌ترین بنیان معرفتی است که تأمین مبادی تصدیقی علوم دیگر را در نهاد خود دارد.»

در ادامه این پیام می‌خوانیم: « حکمت متعالیه ضمن تعالی تجریدی خود، تدانی تجربی را از نظر دور نمی‌دارد یعنی در عین متعالیه بودن، متدانبه خواهد بود، زیرا جریان حرکت جوهری و تبیین بُعد رابع زمان و تشریح سیلان ضروری قلمرو طبیعت، از مسائل جدّی آن است، همان‌طوری که جسمانیّه الحدوث بودن روح و تمام آثار علمی و عملی آن از معارف رسمی آن به شمار می‌رود و با روشن شدن امکان تعالی موجود مادی و نیل به مقام تجرد، بسیاری از مطالب حکمت عملی مانند اخلاق، حقوق و مدنیت به خوبی قابل تحلیل خواهد بود، زیرا تمام رفتار، گفتار، نوشتار و کردار انسان همراه با عقیده و وصف نفسانی او در صحابت روح وی در تحول است و هرگز کار آلوده، صفت ناپسند و عقیده باطل به صورت فرشته عقلی در نمی‌آید و برای فرشته مجرد شدن، پیمودن صراط مستقیم عقل و عدل لازم است و حکمت متعالیه، عهده‌دار تبیین اصول جامع و میانی کلی آن است.»

آیت‌الله جوادی آملی در ادامه می‌افزاید: « حکمت متعالیه، مسیر تقرب به مبدأ هستی را به خوبی ترسیم می‌نماید و سالکان کوی وصال پروردگار را به آن راهنمایی می‌کند، زیرا اصل فاصله مخلوق با خالق پذیرفته شده است و نزدیک شدن بنده با خداوند از راه معرفت، محبت و عبادت، میسر است و در پاسخ این پرسش که تقرب ممکن به واجب چگونه است، دائماً گفته می‌شود که قرب مزبور معنوی است نه مادی و نزدیکی مکانت است نه مکانی. روشن است که با این تعبیرهای نارسا فاصله حق و خلق و تفاوت عابد و معبود معلوم نخواهد شد. حکمت متعالیه بعد از تصریح به اینکه ذات واجب الوجود، هویت محض و حقیقت صرف و نامحدود است، در تفسیر عناوین و حیانی مانند لقای خدا، تقرب به او و ... ارزیابی‌های متدبرانه نمود و مناسب‌ترین راه را به دست آورد و آن اینکه:

- 1- فاصله واجب و ممکن را عناوین اعتباری و قراردادی اجتماعی نظیر ریاست و مرئوسیت تشکیل نمی‌دهد.
  - 2- فاصله مزبور را مفاهیم منطقی که از آن به معقولات ثانی منطقی یاد می‌شود تأمین نمی‌کند.
  - 3- فاصله یادشده را مفاهیم فلسفی که از آن به معقولات ثانی فلسفی تعبیر می‌شود تضمین نمی‌نماید.
  - 4- فاصله مطرح‌شده را ماهیات امکانی که از آن به معقولات جوهر و عرض یاد می‌شود پر نمی‌کند.
  - 5- فاصله ذکرشده را حقایق وجودی بنا بر تباین آنها به عهده نمی‌گیرد.
- محدور مشترک وجوه یادشده همانا گسیختگی آنها از یکدیگر است و امور گسسته هرگز صراط مستقیم و راه پیوسته نخواهند بود تا معبر سالکان کوی نیاز به بارگاه پروردگار بی‌نیاز باشند.
- 6- فاصله مطرح‌شده را درجات تشکیکی حقیقت وجود تشکیل می‌دهد یعنی مقصد، تقرب به مرحله کمال هستی است و بین آن مرحله برین و مراحل میانه و نازل، گسیخته نیست وگرنه نزدیک شدن به مقصد و لقای آن ممکن نبود.
  - 7- ارتقای از مرحله فرود به مرتبه فراز، بدون حرکت جوهری و تحول درونی میسر نیست زیرا هر گونه ترقی در اعراض و دگرگونی در عوارض مادامی که در پرتو تکامل ذاتی نباشد نه ممکن است و نه سودمند.»

در ادامه این پیام آمده است: «بنابراین فلسفه متعالی، این مهندسی را فراسوی سالکان کوی وصال ارائه نمود که هم راه رشد یعنی تقرب به پروردگار موجود است و هم عبور در آن ممکن. نکته فاخر اینکه مقصود از نزدیک شدن و منظور از لقای الهی، ارتباط با برخی از اسمای حسناست وگرنه دو منطقه وجوبی برای همگان و نیز برای همیشه ممنوع و ممتنع است: یکی نیل به ذات واجب که بسیط صرف است و دیگری اکتناه اوصاف ذات که عین ذات می‌باشند.»

چهارم. فلسفه کلی، تأمین‌کننده صیغه الهی بودن همه علوم است که درباره موجودهای امکانی بحث می‌کنند یعنی فلسفه، مهم‌ترین خدمتی که به علوم می‌کند این است که آنها را الهی و دینی می‌نماید زیرا ثابت می‌نماید که یکی از اصول و جامع هستی‌شناسی، نظام علت و معلول است و معلول نسبت به علت خود، وجود رابط (نه رابطی) بوده و علت در قیاس به معلول، مستقل است و سلسله به هم پیوسته علت و معلول به واجب‌الوجود منتهی می‌شود که صدر و ساقه جهان آفرینش، صنع اوست و چون خداوند، حکیم محض است، صنعت او با حکمت و هدفمندی مطرح است و سلسله علت فاعلی به فاعل بالذات ختم می‌شود و سلسله علت غایی به غایت و هدف بالذات مختوم می‌گردد و خداوند، فاعل بالذات: (هوالاول) و غایت بالذات: «هوالآخر» است پس جهان، مخلوق خداست و تمام علوم به خلقت‌شناسی بر می‌گردد یعنی موضوعات مسائل، محمولات آنها و ترتیب محمولها بر موضوعها همگی صنع خداست و هر رشته‌ای از علوم تجربی و ریاضی و تجربی، پژوهش کار خدا را به عهده دارد. بنابراین فرض ندارد که علم از آن جهت که علم است سکولار باشد هر چند ممکن است عالم از جهت دین‌باوری یا خلاف آن سکولار باشد.

خلاصه آنکه

- 1- صحنه هستی ممکنات، ساحت صنعت خداست به طوری که هیچ چیزی در آن یافت نمی‌شود مگر آنکه مخلوق پروردگار است.
  - 2- هر علمی اعم از تجربی و تجربی، تفسیر خلقت خداوند است یعنی معلومها مصنوع پروردگارند و استدلال‌های عقلی، درخشش چراغ درونی است که خداوند با بیان (و نفس و ما سواها) و رهنمود (عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم) آن را روشن کرد.
  - 3- عقل، سراج منیری برای معرفت صراط مستقیم است.
  - 4\_ از سراج، کار صراط ساخته نیست و عقل هرگز قانون‌گذار تکوین یا تشریح نیست زیرا تنها قانون‌گذار خداوند سبحان است و عقل همتای نقل، تحت راهنمایی وحی معصومانه، منبع معرفتی دستورهای الهی است و نه پیش از آن.
  - 5- همان طوری که تفسیر متون دینی، علمی است الهی، تحریر ساختار خلقت نظام کیهانی در رشته‌های گوناگون، علمی است دینی.
  - 6- دین، قانون مدون پروردگار است و شناختن آن مستقیماً با وحی و الهام انبیا صورت می‌پذیرد و معرفت با واسطه آن با عقل برهانی و نقل معتبر خواهد بود.
  - 7- عقل و براهین آن را نمی‌توان مصادره کرد و رنگ بشری به آن داد زیرا موهبت پروردگار است و ره‌آورد آن حجت الهی است به طوری که عمل برابر قطع عقلی، واجب و ترک عمل در برابر یقین عقلی نیز حرام خواهد بود.
- این همه برکات به وسیله فلسفه کلی، بهره علوم تجربی و تجربی می‌شود یعنی فلسفه کلی گذشته از تأمین وجود موضوعات علوم و مبادی آنها، الهی بودن آنها را نیز تأمین می‌نماید. آنچه هم اکنون در علوم تجربی و مانند آن رایج است بررسی موجوداتی است که نه ارتباط با مبدأ فاعلی: (هوالاول) داشته و نه مبدأ غایی خود: «هوالآخر» را در نظر دارد. روشن است که صرف سیر افقی در شناخت اشیا باعث معرفت عمیق آنها نخواهد بود. امید است تمام مراکز تحقیق و پژوهش در مدار خلقت‌شناسی کوشش نمایند تا صیغه الهی بودن علوم محفوظ بماند و خدمت فلسفه مطلق به تمام فلسفه‌های مضاف و نیز به همه علوم روشن گردد!».